

NATION STATES AND GLOBAL LINE UPS?

<http://www.ghandchi.com/326-GlobalLineups-plus.htm>

دولت های ملی و صف بندی های جهانی

سام قندچی

همکاری های اقتصادی، سیاسی، علمی، و مالی که از گلوبالیسم منتج میشوند بر مبنای جغرافیا یا هویت ملی نیستند، و موضوعاتی نظیر سقوط دلار آمریکا در برابر یورو و دلار کانادا، و یا درآمد سالانه 100 بلیونی هند از تکنولوژی های جدید، یا نحوه شرکت کشور های تولید کننده نفت در اقتصاد جهانی را، نمیتوان با پارادیم های فکری گذشته توضیح داد.

من در مقاله ام تحت عنوان **یک جهان بینی از سوی شهر مردان** درباره درک غلط برخی از جریانات چپ از گلوبالیسم و مسأله جنگ نو شتم، و اینکه چگونه آنها مخالفت من با جریانات واپس گرا، نظیر صدام و جمهوری اسلامی را، به عنوان دفاع از بوش تعبیر کرده بودند، نه آنکه درک کنند که من ناسیونالیسم افراطی آمریکا، در برخورد به گلوبالیسم را، همانقدر محکوم میکنم، که جریانات واپس گرا در کشورهای در حال توسعه را.

اما درک غلط از ساختار های جدید گلوبال فقط مخصوص جریانات چپ نیست.

بسیاری از تکنوکراتهای ایران دوران شاه، که اکنون در خارج هستند، و یا تکنوکراتهای ایران در داخل کشور، با آنکه به تحول گلوبال اذعان دارند، در تحلیل از نیرو بندی های سیاسی و اقتصادی جهان در زمان حاضر، مثل سالهای 1900، سعی میکنند دنبال جریان محور یا متفقین، نظیر دوران جنگ جهانی اول و دوم بگردند. حتی برخی از متفکرترین اقتصاد دانان ما، از "آمریکا (به انضمام کانادا، مکزیک و کشورهای آمریکای لاتین)، اروپا (با گسترش اتحادیه اروپا تا روسیه) و آسیا (چین، هند، ژاپن)" *^{*} بمثابة بلوک بندی های جدید جهان یاد میکنند. بنظر من اشکال این است که با پارادیم گذشته میخواهیم حال را توضیح دهیم، بدون آنکه خود آگاه باشیم که چگونه گلوبالیسم پارادیم را عوض کرده، آنگونه که در جای **دیگر** نوشته ام.

مثلاً توضیح واقعیت کاهش ارزش دلار در سه سال گذشته، در برابر یورو و دلار کانادا را، نمیتوان بر مبنای صف بندی های جغرافیائی توضیح داد. یا این حقیقت که اکنون هند 100 بلیون دلار از تکنولوژیهای جدید درآمد سالیانه دارد را، نمیتوان شبیه سرمایه گذاری مستعمراتی سالهای 1900 برای کار ارزان توضیح داد هر چند کار ارزان باعث پیروزی آنها در رقابت برای تولید تکنولوژی های جدید است. به همین شکل نوع شرکت کشور های تولید کنند نفت در اقتصاد جهانی در زمان ما را نمیشود بصورت آنچه استفاده از مواد خام توسط استعمارگران در سالهای 1900 بود توضیح داد هر چند دوباره مسأله مواد خام در اینجا مطرح است

بنظر من فراماسیون های جدید گلوبال در همه عرصه های زندگی بشر در حال شکل گیری هستند، و در نقاط مختلف نسبت این ساختار ها به ساختار های ماقبل گلوبال متفاوت است، و به نسبت آنکه سیاست های دولت یک کشور، در هر زمان، ساختار های گلوبال را مورد حمله قرار دهد، به پیوند خود با سرمایه جهانی در کشور خود لطمه میزند، همانگونه که سیاستهای اقتصادی ناسیونالیست افراطی دولت بوش در سه سال گذشته در آمریکا، و سیاست های اقتصادی واپس گرایانه در های بسته جمهوری اسلامی در 25 سال گذشته، چنین کرده اند.

بنظر من، خروج سرمایه از آمریکا در سه سال گذشته، باعث پائین آمدن ارزش دلار نسبت به ارز های اروپایی و دلار کانادا شده است. درست است که پائین آمدن دلار به نوبه خود، کالاهای آمریکایی را در خارج ارزان میکند، اما تصور آنکه دلیل تنزل دلار در این دوره از طرف دولت بوش بعد انجام شده، دور از واقعیت است، بویژه با توجه به این واقعیت که دولت بوش تأکیدش بر تجارت آزاد بوده است.

در واقع ناسیونالیسم افراطی در 3 سال گذشته تمایل وارد کردن سرمایه به آمریکا، از سوی کشورهای دیگر را باعث شده است، و حتی بسیاری صاحبان سرمایه خارجی، سرمایه خود را خارج کرده اند. درست است که اگر پروژه های زیر بنایی نظیر **اینتر نت سریع** در آمریکا انجام شده بود، آن پروژه ها به حجم سرمایه در آمریکا کمک میکرد، ولی حتی سود حاصل از آن سرمایه گذاری ها، در شرایط دولتی که رابطه اش با گلوبالیسم نامطلوب است، به تقویت اقتصاد آمریکا نمی انجامید.

معیار در جهان امروز برای هر کشوری، در همه زمینه های اقتصادی، توان فعالیت در اقتصاد گلوبال است، همانگونه که در آغاز تحول اقتصاد های ملی در سیصد سال پیش، نقاطی که با اقتصاد ملی سر جنگ داشته، و به اقتصاد خود کفای خود میبالیند، عمرشان سریعاً پایان یافت.

امروز وقتی در هند برای تکنولوژی های نوین سرمایه گذاری میشود، مثل سالهای 1900 نیست. یک شرکت گلوبال که حتی اصلاً آمریکایی میتواند باشد، و بخاطر کار ارزان در تکنولوژی نو، تولید را در هند مقرون بصرفه ببیند، ممکن است سودش را هم به آمریکا نیاورد، و به جای دیگر ببرد. مثلاً دو سال پیش از نظر شرکت سیسکو، پرزیدنت پوتین در روسیه، اقتصاد گلوبال را از آمریکا بهتر میفهمید، و با آن سمت گیری داشت، در نتیجه آنها روسیه پوتین را، بمثابة همکار، به خود نزدیک تر میدیدند، تا آمریکای بوش را!

همانگونه که در مقاله **چرا رأی به کری**، از **دیوید باوئر**، استراتژیست سرمایه گذاری گلوبال مریل لینچ نقل کردم، "آمریکا بیش از هر زمان دیگری در 50 سال اخیر، برای سرمایه، به بقیه جهان وابسته است" ویکسویگی استراتژی بوش، باعث بیگانگی اروپا شده است، و حتی باعث احتراز سرمایه داران نقاط دیگر جهان از سرمایه گذاری در آمریکا شده است. در اقتصاد گلوبال، اینگونه سیاست های یکسویه unilateral از سوی هر ملتی مانند شلیک کردن به پای خود است. بنظر من دلیل اصلی سقوط دلار در برابر یورو و دلار کانادا، این امر است که سیاستمداران آن کشورها در سه سال گذشته، برعکس آمریکا، بیشتر با فرماسیونهای در حال شکل گیری گلوبال همراه بوده اند.

مسأله جنگ با صدام بخودی خود باعث ضعف بوش نیست هر چند حتی در آن زمینه نیز سیاست های ناسیونالیست افراطی وی و عدم همکاری وی با نیروهای دیگر جهان، با وجود پیروزی در جنگ، به ضرر وی شد. از نظر نظامی وی بسیار قادر عمل کرده و با حداقل تلفات در عراق پیروز شد. حتی امروز بعد از آنکه نیات واقعی **اسلامگر ایان شیعی** را فهمید، با استخدام ژنرال های سنی صدام، و با طرح مالی عربستان سعودی، رژیم صدام را، بدون خود صدام، بخشاً تجدید سازمان داده است و به این طریق رویاهای جمهوری اسلامی ایران برای ایفای نقشی مانند نقش سوریه در لبنان را نقش بر آب کرده است. ولی هیچکدام از این پیروزی های نظامی بوش مسأله اصلی اقتصاد گلوبال، که **مشاورین اقتصادی** وی درک نکرده اند را حل نمیکند.

بنظر من انتخاب کری Kerry این وضع در آمریکا را عوض خواهد کرد. چرا؟

یکی از پشتیبانان کری، بلیونر معروف مجارستانی، جرج سوروس **Soros George** است. جرج سوروس به روشنی گفته است که برای برچیدن دولت بوش از هر پشتیبانی مالی فرو گذار نخواهد کرد. ویژگی سوروس در این است که وی دقیقاً با پشتیبانی از گلوبالیسم، باعث سقوط اتحاد شوروی شد، و طرفداران وی نقش اصلی را در روسیه و کشورهای دیگر اروپای شرقی، پس از سقوط شوروی یافتند. در واقع با وجود داشتن ایدئولوژی کمونیسم، سیاست و اقتصاد شوروی چیزی جز یک رژیم افراطی ملی نبود.

دولت طرفدار گلوبالیسم بایستی تکیه خود را بر روی ساختارهای گلوبال گذارد. همانگونه که در زمان شکل گیری ساختارهای ملی در اروپا، دولت شهرهای پیشرو با ساختارهای ملی در حال شکل گیری، سمت گیری کردند، و نه آنکه حصارهای دور خود را تقویت کنند، آنگونه که دیوار برلین سمبل آن بود و فرو ریخت.

به عبارت دیگر، نیروهای از طرفداران سوروس در آمریکا گرفته، تا نیروهای مشابه در اروپا، هند، یا سنگاپور، و نقاط دیگر دنیا یک جریان گلوبال را تشکیل میدهند. من از اصطلاح طرفداران سوروس، فقط برای درک بحث استفاده کردم، وگرنه واقعیت این فرمایشیهای جدید، یک تشکیلات سنتی سیاسی یا اقتصادی نیست به رهبری فرد معینی نیست، و اساساً بصورت شبکه های مختلف اقتصادی، علمی، سیاسی، مالی و اتحادیه ای فرمایشیهای جدید گلوبال در دنیای کنونی شکل میگیرند.

در مقابل، نیروهای واپس گرا نظیر صدام و جمهوری اسلامی، و ناسیونالیست های افراطی در آمریکا، سوی دیگر کشاکش دوران ما هستند. درک این کشاکش، به عنوان کشاکش اصلی دنیای کنونی، میتواند صف بندی های دنیای گلوبال کنونی را آشکار سازد. بخشی از این فرمایشیهای گلوبال میتواند از نظر جغرافیایی در اروپا امروز قوی تر باشد، و فردا در آمریکا، و یا هند، اما اساساً این صف بندی ها جغرافیایی نیستند.

درک موضوع بالا، برای جنبش سیاسی ایران، بسیار مهم است، چرا که این اشتباه است که کشور معین، یا منطقه معینی را، متحد جنبش ترقی خواهانه خود فرض کنیم. متحد ما تحول گلوبالیسم در دنیا است. البته موضوعات **عدالت اجتماعی** نیز در آن چارچوب، موضوع اصلی عصر ما هستند، که در جای دیگر بحث کردم.

همچنین سخن من به این معنی نیست، که مثلاً، اگر رهبران جمهوری اسلامی با گلوبالیسم باصطلاح همراهی کنند، بشود ایران را مدرن کرد، و تجربه با اسلامگرایان شیعی در عراق، این واقعیت را بیشتر به ثبوت رسانده است، و من مفصلاً در جای دیگر نوشته ام، که چرا **جمهوری اسلامی ایران باید برود**، و کمتر از فراندوم برای تغییر رژیم، راه ایران بسوی پیشرفت و دموکراسی را نخواهد گشود.

نکته من در این مقاله این موضوع است که متحدین ما اتحادهای گلوبال نیروهای است که نه ناسیونالیست های افراطی غربی هستند، و نه واپس گرایان اسلامگرای ماقبل صنعتی، و امثالهم. نیروهای مترقی که در صف بندی برای توسعه گلوبال فراصنعتی فرار دارند، متحدین ما هستند، چه وقتی ما ایران را از اسلامگرایان واپس گرا آزاد میکنیم، و چه وقتی که به ساختن **ایران آینده نگر** آغاز کنیم.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

7 اردیبهشت 1383

April 26, 2004

متن بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/326-GlobalLineupsEng.htm>

مقالات دیگر مربوط به موضوع

<http://www.ghandchi.com/index-Page19.html>

مقالات تئوريك

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>

فارسي-جستجوگر ايرانسكوپ



IranScope Store
فروشگاه ايرانسكوپ